

بدبین بودند. به دلیل همین تکثر قدرت است که در هر حوزه‌ای در دولت در ایران، از حوزه انرژی گرفته تا حوزه آب و فرهنگ، تصمیم‌گیری در همه این حوزه‌ها به نوعی فرابخشی است. به عنوان مثال، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئول امور فرهنگی در ایران نیست. هیچ وزیری را در ایران پیدا نمی‌کنید که به طور مشخص مسئول سیاست‌گذاری یا تصمیم‌گیری در حوزه انرژی کشور باشد. هر حوزه‌ای که پیدا می‌کنید، می‌بینید تصمیم‌گیری در آن حوزه فرابخشی است. در حوزه‌های مختلف نمی‌توانیم به طور مشخص نهادی را جدا و مشخص کنیم و بگوییم این نهاد مسئول سیاست‌گذاری یا تصمیم‌گیری در فلان حوزه است. به عبارت دیگر مجموعه‌ای از نهادها کارها و وظایف سیاست‌گذاری و اجرا در هر حوزه را برعهده دارند. به این شرایط نمی‌توان گفت «تمرکز قوا»، نام این وضعیت اتفاقاً «تکثر قوا و تلاشی قوا» است.

◀ حاصل این پراکندگی در ساختار تصمیم‌گیری چه بوده است؟

این پراکندگی در ساختار قدرت محصولات و نتایجی داشته است، از جمله بی‌اعتمادی، ناامیدی نسبت به کارکرد ساختار، توقف جریان امور، فرجه شدن بوروکراسی در ایران و ماندن آنها از نتایج این وضعیت است و در نهایت امتناع توسعه را بوجود آورده است.

◀ آیا می‌توان وضعیتی را تصور کرد که در آن باوجود همین تکثر قوا به سمت بهبود یا توسعه حرکت کرد؟

خیر، کار بسیار سختی است. تا زمانی که تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در نهادهای مسئول صورت نگیرد و هر نهاد بابت تصمیمات و عملکرد خود پاسخگو نباشند، زمینه توسعه همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ایران پدیدار نخواهد شد. در چنین شرایطی، آنچه اتفاق می‌افتد، صرفاً این است که بوروکراسی فرجه می‌شود و تصمیم‌گیری سیاسی به سطح رتوریک، حرف‌های خوب، خطابه و مانند آنها تقلیل پیدا می‌کند؛ کما اینکه امروز هم شاهد همین وضعیت هستیم و تولید سرانه و تولید ناخالص ملی در شرایط شرم‌آوری است.

◀ شاخص‌هایی که تاکنون بیان کردید، برای این بود که در حوزه سیاسی تصویری از ایران امروز داشته باشیم. در حوزه اقتصادی چه شاخص‌هایی داریم که بیانگر جایگاه و وضعیت امروز ما باشد؟ از نظر اقتصادی به باور من اقتصاد سیاسی ما اقتصاد رانتهی است و اقتصاد رانتهی هم توسعه‌زا نیست. البته به باور من در

حوزه اقتصادی، تصور از فساد بیشتر از واقعیت فساد است. از سوی دیگر، ما در دو دهه گذشته تورم بالای ۵۰ درصد داشتیم که این امر در کمتر کشوری در دنیا سابقه دارد. تحریم‌های ظالمانه هم هست که هم بُعد سیاسی دارد و هم بُعد اقتصادی. این تحریم‌ها نتیجه مناسبات نظام بین‌المللی است. امروز باید متوجه باشیم که چه بخواهیم یا نخواهیم، مناسبات نظام بین‌المللی ظالمانه است. مسأله دیگر امروز ما که در این سال‌ها و سال‌های آینده بسیار مهم است و حتی بیم آن می‌رود تا بحران‌های عظیمی را برای ما ایجاد کند، کمبود آب است. تقریباً اکثر بحران‌ها و منازعات خاورمیانه به مسأله آب برمی‌گردد و از زاویه سالهای آتی باید منتظر منازعاتی آبی داخلی و منطقه‌ای باشیم.

◀ و در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی چگونه؟

در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، یکی از مسائلی که با آن روبه‌رو هستیم، همان چالش تکثر نهادهای تصمیم‌گیر است که در حوزه فرهنگ هم دیده می‌شود. هنگامی که در ایران شاهد روی کار آمدن دولت‌های غیراصولگرا هستیم، می‌بینیم که کار بخشی از نهادهای فرهنگی به ظاهر منتقد یا اصلاح طلب، خنثی کردن تصمیم‌ها، رویکردها و عملکردهای فرهنگی نهادهای مقابل است و برعکس. به عبارت دیگر، هنگامی که یک دولت اصلاح طلب روی کار بیاید، نهادهای فرهنگی که خود را در نقطه مقابل آن تعریف می‌کنند، همه تلاش خود را بر این می‌گذارند تا ثابت کنند آن سوی ماجرا، در حوزه فرهنگ صاحب صلاحیت نیست یا حتی دارای عوجاج‌های فرهنگی است. به عبارت دیگر در حوزه فرهنگ ما صدای یکدستی از کلیت

حوزه سیاسی نمی‌شنویم. این امر در حوزه سینما، تئاتر و یا موسیقی دیده می‌شود، به این معنی که در همه این حوزه‌ها عملاً اجتماعی در سیاست‌گذاری یا تصمیم‌گیری دیده نمی‌شود. در کنار همه اینها من می‌خواهم به چالش دیگری در ایران امروز اشاره کنم و آن هم چالش هویت سنتی-مدن است. امروز شکاف نسلی بویژه در بعد فرهنگی آن در ایران امروز وضعیت بغرنجی پیدا کرده است. ما بسیار نیازمند آن هستیم تا نسل‌های مختلف با هم آشتی کنند. به همه اینها باید وضعیت خاورمیانه، چالش‌های حوزه بین‌الملل را هم اضافه کرد.

بنابراین در این وضعیت نمی‌توان صرفاً به ارتباط با همسایگان بسنده کرد، همسایگانی که به لحاظ تاریخی و تمدنی همواره نوعی رقابت را با یکدیگر تجربه کرده‌اند. با اینکه ارتباط با همسایگان مسأله جدیدی برای ایران نیست، بلکه ایران باید چالش‌های خود با همسایگانش را به صفر برساند. اما واقعیت این است که ایران، همان‌طور که همیشه از نظر تاریخی این گونه بوده است، باید به سمت مناسبات فراخاورمیانه‌ای حرکت کند، به این معنی که با کشورهای خارج از خاورمیانه مناسبات منطقی و عادی برقرار سازد تا بتواند حجم صدماتی را که از خاورمیانه وارد می‌شود به حداقل برساند. بنابراین ارتباط با بیرون از خاورمیانه یک ضرورت سیاست خارجی برای امروز ایران است که البته در این باره در کشور هنوز به اجتماعی نرسیده ایم.

◀ براساس وضعیتی که از ایران امروز ترسیم کردید، یعنی هم ایران امروز در سال ۱۴۰۳ و هم ایران در عصر کنونی، ما در سال ۱۴۰۴ به کدام سو می‌رویم؟

باید انتظار چه ایرانی با چه مختصاتی را داشته باشیم؟ پیش از پاسخ به این سؤال شما، باید به یک مسأله مهم اشاره کنم. این مسأله که در حوزه اجتماعی قرار می‌گیرد و برای ایران ما بسیار مهم است، مسأله مهاجرت نخبگان است. مهاجرت نخبگان مسأله‌ای است که بیش از هر چیز دیگری ایران دوستان را نگران می‌کند. زیرا ما با مهاجرت ایرانیان و نخبگان ایرانی مواجه هستیم، مانند صاحبان مشاغل و استارت‌آپ‌ها که به باور من باید آن را در زمره یک تهدید فرهنگی و حتی یک تهدید امنیت ملی برای ایران دسته‌بندی کرد. اما در پاسخ به سؤال شما، یعنی درباره اینکه وضع مطلوب ما در سال ۱۴۰۴ چه می‌تواند باشد، من معتقدم شاید بهتر باشد این سؤال را مطرح کنیم که اساساً وضع مطلوب چیست؟ واقعیت امروز ما، با



ساختار قانون اساسی نشان می‌دهد تدوین کنندگان آن نسبت به تمرکز قوا در قوه مجریه بسیار بدبین بودند. به دلیل همین تکثر قدرت است که در هر حوزه‌ای در دولت در ایران، از حوزه انرژی گرفته تا حوزه آب و فرهنگ؛ تصمیم‌گیری در همه این حوزه‌ها به نوعی فرابخشی است